

تأثیر ساختار هیئت مدیره بر مدیریت مالیاتی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران

ابوالفضل سلیمانی^۱، مهدیه شکریان برنجستانکی^۲ و الهه ناظمی^۳

^۱ مربی گروه حسابداری موسسه آموزش عالی آبان هراز، آمل، ایران (نویسنده مسئول).

Abolfazl.Soleimani1370@gmail.com

^۲ مربی گروه حسابداری موسسه آموزش عالی فروردین، قائمشهر، ایران.

Mahdieh.shokrian@gmail.com

^۳ کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، نور، ایران.

Elahenazami@yahoo.com

چکیده

مدیران تمایل به کاهش بدهی مالیاتی از طریق روزه‌های قانونی دارند و رویه‌های جسورانه‌ای در رابطه با مالیات دنبال می‌کنند که بر منافع بسیاری از ذینفعان از جمله مردم تأثیر گذار است. بدلیل اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر ساختار هیئت مدیره بر مدیریت مالیاتی پرداخته است. نمونه‌ی آماری این پژوهش شامل ۱۴۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ می‌باشد. برای بررسی فرضیه‌ها با بهره‌گیری از الگوی رگرسیون چند متغیره مبتنی بر تکنیک داده‌های پنلی از نرم‌افزار Eviews نسخه ۹، استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد اندازه‌ی هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و مالکیت مدیریتی هیچ رابطه‌ی معناداری با مدیریت مالیاتی ندارند. یعنی اگر چنانچه تعداد نفرات هیئت مدیره و نسبت مدیران غیرموظف، زیاد (یا کم) بوده باشد، و همچنین اعضای خانواده‌ی مدیران به عنوان سهامداران شرکت بوده (یا نبوده) باشند، تأثیری بر وجود یا عدم وجود مدیریت مالیاتی نخواهند داشت. همچنین بر اساس نتایج، دوگانگی وظیفه مدیرعامل رابطه‌ی مثبت و معناداری با مدیریت مالیاتی دارد. این بدان معناست که، چنانچه مدیرعامل رئیس هیئت مدیره باشد احتمال وقوع مدیریت مالیاتی، افزایش می‌یابد. در مورد متغیرهای کنترلی نیز نتایج نشان دادند که رابطه‌ی اندازه شرکت با مدیریت مالیاتی منفی و معنادار اما اهرم مالی و سن شرکت با مدیریت مالیاتی رابطه‌ی مثبت و معناداری دارند.

واژه‌های کلیدی: اندازه‌ی هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، مالکیت مدیریتی، مدیریت مالیاتی.

۱- مقدمه

امروزه شرکت‌ها در راستای کاهش تضاد بین سهامداران و مدیران، بر جداسازی مدیریت از مالکیت تاکید داشته و سعی می‌کنند در کنار افزایش تعداد سهامداران، بر تصمیم‌گیری‌های مدیریت نظارت کنند (محمدآزادی و محمدی، ۱۳۹۴). با این حال ممکن است مدیران در هر شرایطی منافع خود را بر منافع سهامداران ترجیح دهند که همان بحث تضاد منافع در تئوری نمایندگی است و این مسئله موجب عدم اعتماد مالکان به مدیران خواهد شد. در نتیجه نیاز به وجود هیئت مدیره شرکت به عنوان نهاد هدایت کننده جهت کاهش تعارضات نمایندگی احساس می‌شود. هیئت مدیره از مهم‌ترین عوامل کنترلی و نظارت بر عملکرد مدیریت و محافظت از ثروت سهامداران می‌باشد (مینیک و نوگا^۱، ۲۰۱۰).

سازوکارهای مختلفی در ادبیات مالی به منظور کاهش مسائل نمایندگی بیان شده است که یکی از مهمترین آن‌ها، نظام راهبری شرکت است (آندرسون و همکاران^۲، ۲۰۰۴). نظام راهبری شرکت، بیانگر فرایند نظارت و کنترل بر مدیریت شرکت، به منظور حصول اطمینان از همسویی عملکرد آن‌ها با منافع سهامداران است و مهمترین عناصر آن عبارتند از: سهامداران و نحوه مالکیت آن‌ها (رسائیان، ۱۳۸۹) و خصوصیات اعضای هیئت مدیره. به طور مثال، پژوهش‌ها نشان داد هیئت مدیره‌ای که اکثر اعضای آن غیرموظف و مستقل هستند، کنترل مناسبی بر رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت خواهند داشت (باغومیان و نقدی، ۱۳۹۳). در این راستا هم می‌توان گفت، مدیران غیرموظف با قابلیت درک نقش نظارتی خود می‌توانند مطلوبیت ساز و کار یک شرکت را رقم زده و سبب جلوگیری از تضاد منافع بین بازیگران نظام حاکمیت شرکتی شوند. همانطور که تئوری نمایندگی بیان می‌کند، مدیران غیرموظف به عنوان افراد مستقل در امر نظارتی یک شرکت باعث جلوگیری از تضاد منافع بین سهامداران و مدیران شرکت می‌شوند (چا و لیونگ^۳، ۲۰۰۶). بر همین اساس جایگاه هیئت مدیره شرکت به عنوان نهاد هدایت کننده‌ای که نقش مراقبت و نظارت بر کار مدیران اجرایی را بر عهده دارد، اهمیت زیادی دارد (اسماعیل‌زاده مقری و همکاران، ۱۳۸۹). یکی دیگر از وظایف هیئت مدیره و به ویژه مدیران شرکت افزایش ثروت سهامداران است که در این راستا مدیریت مالیات می‌تواند سهم بسزایی داشته باشد. بر اساس نظر گوپتا و نیوبری^۴ (۱۹۹۷) چنانچه مدیریت بتواند نرخ موثر مالیات را در بلندمدت کاهش داده و مالیات کمتری پرداخت کند، مالیات را مدیریت نموده است. این امر منجر به افزایش سود خالص پس از مالیات و کاهش جریان‌های نقدی خروجی از بابت مالیات خواهد شد (پورحیدری و برهانی‌نژاد، ۱۳۹۱). همچنین شرکت‌ها تمایل بیشتری به کاهش بدهی مالیاتی خود دارند (تیموثی^۵، ۲۰۱۰). پژوهش مینیک و نوگا (۲۰۱۰) نشان داده است که شرکت‌های با تعداد اعضای هیئت مدیره و مدیران داخلی بیشتر، تمایل به افزایش منافع خود نسبت به سهامداران دارند اما شرکت‌هایی که دارای هیئت‌مدیره‌ی کوچکتر و با درصد مدیران غیرموظف بیشتری هستند، رفاه سهامداران و عملکرد موسسه تجاری را به منافع خود ترجیح می‌دهند. زیرا در این شرکت‌ها هیئت مدیره با اندازه کوچکتر بهتر می‌توانند مدیریت را در تخصیص و تسهیم دارایی‌ها برای مدیریت مالیات متقاعد کند.

بنابر مطالب ذکر شده و اهمیت موضوع مدیریت مالیاتی در شرکت‌ها، هم‌چنین کارایی و اثربخشی هیئت مدیره نیاز دانسته شد که به بررسی تاثیر ساختار هیئت مدیره با توجه به ویژگی‌های آن همچون اندازه‌ی هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل و مدیریت مالکیتی بر مدیریت مالیاتی پرداخته شود. در این پژوهش از قسمت مقدمه برای توضیح مختصر و شناخت کلی از عنوان پژوهش استفاده شده است. همچنین در ادامه‌ی آن به تعریف و شرح متغیرها به صورت

1. Minnick & Noga

2. Anderson et al

3. Chau & Leung

4. Gupta & Newberry

5. Timothy

جداگانه و رابطه‌ی بین هیئت مدیره با مدیریت مالیاتی پرداخته شد، که مجموع این توضیحات به عنوان مبانی نظری در نظر گرفته شده است. بر همین اساس ادامه‌ی پژوهش به ترتیب، پیشینه تجربی، بیان فرضیات، روش‌شناسی و در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات پژوهش بوده است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- ساختار هیئت مدیره

با تفکیک مالکیت و مدیریت، مدیران به عنوان نماینده مالکان، شرکت را اداره می‌کنند. با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران ایجاد می‌گردد. بدان معنا که ممکن است مدیران دست به رفتارهای فرصت‌طلبانه زده، تصمیماتی را اتخاذ نمایند که در جهت منافع آن‌ها و عکس منافع سهامداران باشد (مهربانی و همکاران، ۱۳۹۴). وجود هیئت مدیره در سازمان‌ها می‌تواند مفید واقع گردد تا از سوء استفاده‌های مدیران جلوگیری یا حداقل کاسته شود. هیئت‌مدیره بخش نظارتی سازمان است که بر عملکرد مدیران در راستای درستکاری، کارایی و اثربخشی توجه ویژه‌ای می‌نماید و بنابر نتایج بدست آمده در مورد مدیران تصمیم‌گیری می‌نماید. بنابراین مطالعه و بررسی خصوصیات و ویژگی‌های اعضای هیئت مدیره (بایدها و نبایدها) و در نهایت انتخاب بهترین اعضا، می‌تواند سبب شود تا از هرگونه سوء استفاده مدیران جلوگیری نموده و با تصمیماتی که آگاهانه اتخاذ می‌نمایند در بهبود و ارتقاء سطح یک شرکت تاثیر بسزایی داشته باشند. بنابراین در ادامه به بررسی بعضی از این خصوصیات می‌پردازیم:

۲-۱-۱- اندازه‌ی هیئت مدیره

اندازه هیئت مدیره به عنوان عنصری با اهمیت در ویژگی‌های هیئت‌مدیره مطرح است. تعداد بهینه اعضای هیئت‌مدیره باید به گونه‌ای تعیین شود که نسبت به این موضوع که اعضای کافی برای پاسخگویی به وظایف هیئت‌مدیره و انجام وظایف مختلف هیئت‌مدیره وجود دارد، اطمینان خاطر حاصل شود (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۷). براساس پژوهش‌های انجام شده همانند بوزچ و همکاران^۱ (۲۰۱۰) بزرگ بودن اندازه‌ی هیئت مدیره بر ارزش شرکت رابطه‌ی منفی دارد. یعنی هرچه اندازه‌ی هیئت-مدیره بیشتر باشد ارزش شرکت کم خواهد شد. مشکلاتی که بزرگ بودن اندازه‌ی هیئت مدیره می‌تواند در پی داشته باشد نظیر؛ افزایش ارتباطات و مسائل نمایندگی، کاهش نظارت و کنترل هیئت‌مدیره بر مدیریت و افزایش هزینه‌هایی که از تصمیم‌گیری ضعیف در گروه‌های بزرگتر تحمل خواهد شد، می‌باشد. در این راستا می‌توان گفت بنابر نظر سولانگ و مت‌نور^۲ (۲۰۱۰) هیئت‌مدیره کوچکتر سبب می‌شود تا نظارت بیشتری بر مدیریت داشته و از فعالیت‌های غیر سودآور و یا فعالیت‌هایی که کارایی و اثربخشی کمتری دارند، جلوگیری نمایند. در صورت کوچک بودن تعداد اعضای هیئت‌مدیره، کنار آمدن بر سر مسائل مختلف با عقیده‌های گوناگون راحت‌تر است و سریعتر به نتیجه خواهند رسید. اما این نظرات فقط یک روی سکه است. بر اساس پژوهش‌های دیگری همانند صدیقی (۱۳۹۲) هرچه تعداد اعضای هیئت مدیره بیشتر باشد می‌توان بدلیل تخصص‌های گوناگونی که هرکدام از اعضا دارا می‌باشند بر مدیران ارشد اجرایی نظارت بیشتر و ویژه‌ای نمود. که این امر سبب بالا رفتن سطح کیفیت و در نهایت موفقیت سازمان می‌شود. از مقایسه‌ی نتایج پژوهش‌های ذکر شده می‌توان به این نتیجه رسید که سعی شود تعداد اعضای هیئت مدیره متناسب با اندازه‌ی شرکت و میزان فعالیت آن انتخاب شود.

۲-۱-۲- استقلال هیئت‌مدیره

ترکیب هیئت مدیره می‌تواند بر عملکرد مالی شرکت‌ها اثرگذار باشد (تنانی و رجبی، ۱۳۹۳). یکی از راهکارهای کاهش مشکلات نمایندگی به کارگیری اعضای غیرموظف در هیئت مدیره برای نظارت بر رفتار مدیر است که به عنوان استقلال هیئت مدیره تعریف می‌شود. تنانی و رجبی (۱۳۹۳) معتقدند که اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره از طریق نظارت بر مدیران موظف، بر روی تصمیمات آنان نظارت دارند. در صورتی که اکثریت اعضای هیئت‌مدیره را مدیران مستقل غیرموظف تشکیل دهد، هیئت-

1. Bozec et a

2. Sulong & Mat Nor

مدیره از کارایی بیش‌تری برخوردار خواهد بود. از آنجایی که هدف همه‌ی شرکت‌ها افزایش عملکرد مالی و بهبود بهره‌وری می‌باشد بر اساس نظر زاتونی و همکاران^۱ (۲۰۱۷) استقلال هیئت مدیره می‌تواند عملکرد مالی را افزایش دهد. از نظر آن‌ها میزان تاثیر استقلال هیئت مدیره در یک شرکت و یا سازمان دولتی بستگی به شرایط ملی و سیاسی آن کشور و قاعدتا میزان وابستگی شرکت‌های ملی، دارد. همچنین آن‌ها دریافته‌اند چنانچه استقلال هیئت مدیره اثر مستقیمی بر عملکرد نداشته باشد ولی بدون تردید به طور غیرمستقیم اثرگذار است. از نظر دورو و همکاران^۲ (۲۰۱۶) بالا بودن استقلال هیئت مدیره در شرکت‌ها سبب می‌شود تا هوشیاری مدیران نسبت به کنترل بر روی تمامی کارمندان، به ویژه مدیرانی که چندین سمت اجرایی در آن شرکت دارند مانند مدیرعاملی که رئیس هیئت مدیره نیز باشد بیشتر شده و سبب بهبود عملکرد مدیریت و در نهایت سازمان شوند.

۲-۱-۳- دوگانگی وظیفه مدیرعامل

از نظر راتلگ و همکاران^۳ (۲۰۱۶) اینکه مدیرعامل شرکتی، رئیس هیئت مدیره همان شرکت نیز باشد سبب می‌شود تا نقش حاکمیت شرکتی ضعیف شده و عملکرد ایشان (در راستای افزایش موفقیت و در نهایت ارزش شرکت) کاهش پیدا کند. کابراسوآرز و مارتین سانانا^۴ (۲۰۱۵) نیز معتقدند چنانچه در سازمانی تعداد مدیران اجرایی و متخصص بیشتر باشد سبب می‌شود تا کارایی و اثربخشی افزایش یافته و در نهایت رضایت بیشتری از سهامداران و دیگر ذینفعان را بدنبال دارد. اما اگر مدیران اجرایی نقش دوگانه‌ای در شرکت داشته باشند و چنانچه یکی از احتمالات انجام وظیفه آنان در هیئت مدیره، به خصوص ریاست آن باشد، می‌توانند بر اساس وظایف مهمی که هم از لحاظ اجرایی و هم از لحاظ تصمیم‌گیری نسبت به فعالیت‌های شرکت دارند، مسائل اخلاقی و اهداف شرکت را نادیده گرفته و منافع خود را به منافع سهامداران و آینده‌ی شرکت ترجیح داده و عملیات شرکت را براساس منافع شخصی خود هدایت نمایند. شاخه دیگری از ادبیات نیز ادعا می‌نماید که تفکیک وظایف مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره، باعث کاهش قدرت تصمیم‌گیری مدیرعامل و عدم هماهنگی او با هیئت مدیره می‌گردد و این امر تضعیف عملکرد شرکت را در پی دارد (ملکیان و شایسته‌مند، ۱۳۹۴).

۲-۱-۴- مالکیت مدیریتی

تجربه نشان داد، تفکیک مالکیت از مدیریت در سطح شرکت‌ها باعث به وجود آمدن ناسازگاری میان مدیران و مالکان شده است (حساس‌یگانه و خیرالهی، ۱۳۸۷). مادامی که سهامداران شرکت، تصمیم‌گیری را به عهده‌ی مدیریت واگذار می‌کنند، مدیریت انگیزه‌هایی برای فعالیت‌هایی دارد که منافع خود را حداکثر کند، حتی اگر این فعالیت‌ها در جهت منافع سهامداران و پیشرفت شرکت نباشد (رائو و داندال^۵، ۲۰۰۸). اما در جهت حل این مسئله، مالکیت مدیریتی بهینه می‌تواند همگام با اهداف حاکمیت شرکتی سبب کاهش تضاد میان مدیران و مالکان شود.

مالکیت مدیران و هیئت مدیره به آن‌ها انگیزه می‌دهد که شرکت را در راستای رسیدن به عملکرد بهتر یاری کنند و نظارت مدیران با دقت بیشتری صورت گیرد (مجته‌زاده، ۱۳۹۰). منظور از مالکیت مدیران و هیئت مدیره چنین است که در واقع

1. Zattoni et al

2. Duru et al

3. Rutledge et al

4. Cabrera-Suarez & Martin-Santan

5. Rao & Dandale

اعضای هیئت‌مدیره مالک درصدی از سهام شرکت باشند (رز، ۲۰۰۵). از نظر چن^۲ (۲۰۱۳) زمانی مدیران این مالکیت را افزایش می‌دهند که انحراف بهینه‌ی سرمایه‌گذاری کاهش یابد. در راستای فواید افزایش مالکیت مدیریتی می‌توان گفت این تغییرات سبب می‌شود تا هزینه‌های شرکت به ویژه هزینه‌ی بدهی کاهش یابد. این بدان معناست که یک رابطه‌ی U شکلی بین مالکیت مدیریتی و هزینه‌ی بدهی شرکت وجود دارد (لاگو^۳، ۲۰۱۷). همانطور که افزایش مالکیت مدیریتی فوایدی دارد، معایبی را نیز در پی خواهد داشت. از جمله معایب آن می‌توان بیان کرد که افزایش مالکیت مدیران سبب افزایش در قدرت مدیرعامل و کاهش انتصاب مدیر جدید در شرکت خواهد شد. این افزایش مالکیت مدیران برای مابقی سهامداران مفید نخواهد بود، زیرا تمامی تصمیم‌گیری‌ها و گزارشات عملکرد شرکت در اختیار آن دسته از مدیرانی قرار خواهد گرفت که مالکان درصدی از سهام شرکت می‌باشند. بر اساس نظریه‌ی حاکمیت شرکتی این نوع مالکیت ممکن است سبب شود تا مدیران مالک بر اساس منافع خود عمل نمایند (اسچمیت و فلنبرج^۴، ۲۰۱۷)، که نتیجه‌ی این تغییرات کاهش ارزش شرکت می‌باشد (چن، ۲۰۱۳).

۲-۱-۵- مدیریت مالیاتی

مینینگ و نوگا (۲۰۱۰) مدیریت مالیاتی را توانایی مدیران در پرداخت مالیات کمتر در بلندمدت می‌دانند. شرکتی که به دنبال مدیریت مالیاتی و حداقل‌سازی مالیات خود می‌باشد، در واقع یعنی رویه‌ای جسورانه در رابطه با مالیات در پیش گرفته است. بر طبق پژوهش‌های انجام شده، مدیریت مالیاتی، فعالیتی ارزش‌زا می‌باشد و سهامداران شرکت معتقدند که باید، نرخ مالیات شرکت مدیریت شود (گراهام و تاکر^۵، ۲۰۰۶) و در واقع دستخوش تغییرات به نفع سهامداران شود. در این راستا دسای و دارماپالا^۶ (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که مسئله حداقل‌سازی پرداخت هزینه مالیات، توسط سهامداران شرکت قطعاً مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت و به عنوان یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی عملکرد مدیریت مورد توجه قرار می‌گیرد. اگر مدیریت مالیات به عنوان فعالیتی ارزش‌زا در نظر گرفته شود، مدیران شرکت‌ها تمایل دارند خود را درگیر این فعالیت نمایند، زیرا مدیریت مالیات می‌تواند رقم نهایی سود را بالا نشان دهد. اسکولز و همکاران^۷ (۲۰۰۹) خاطرنشان می‌کنند که علاوه بر هزینه فرصت از دست رفته، برنامه‌ریزی مالیاتی هزینه‌هایی از قبیل هزینه‌های معاملاتی، مالیات‌های ضمنی و عدم اطمینان نیز خواهد داشت. بنابراین، شرکت‌ها زمانی به مدیریت مالیات روی می‌آورند که صرفه‌جویی‌های مالیاتی ناشی از این طرح‌ها بر هزینه‌های تحمل و مصرف شده‌ی این طرح‌ها فزونی داشته باشد. به اعتقاد دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) سودمندی مدیریت مالیاتی نتیجه‌ی نحوه‌ی استفاده‌ی مدیران از جریان‌های نقدی حاصل از صرفه‌جویی مالیاتی می‌باشد. از نظر کیان و همکاران^۸ (۲۰۱۶) شرکت‌هایی که تعداد کارکنانشان کمتر و یا بعبارتی دیگر اندازه‌ی شرکت آن‌ها کوچک‌تر است، نگرش مثبت‌تری به تبعیت از قوانین مالیاتی و شفافیت گزارشگری مالی در مورد مالیات، نسبت به شرکت‌های بزرگتر دارند. همچنین آن‌ها در پژوهش خود دریافته‌اند، در شرکت‌هایی که کارکنان و اعضای هیئت‌مدیره، دارای مدرک دانشگاهی و سوابق کاری بالایی

1. Rose

2. Chen

3. Lugo

4. Schmidt & Fahlenbrach

5. Graham & Tucker

6. Desai & Dharmapala

7. Scholes et al

8. Cyan et al

هستند تمایل کمتری به پرداخت مالیات در موعد تعیین شده دارند، و بیشتر سعی در مدیریت کردن مالیات و اجتناب مالیاتی دارند.

۲-۲- ساختار هیئت مدیره و مدیریت مالیاتی

همانطور که می‌دانیم پیشرفت یک شرکت به دانش، مهارت و رعایت قوانین به ویژه رعایت حاکمیت شرکتی از طریق کارکنان، مدیران و سهامداران، بستگی دارد. متغیرهای حاکمیت شرکتی به ویژه اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و متغیرهایی چون نوع حسابرسی، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اهرم مالی می‌توانند به طور قابل توجهی عملکرد شرکت را تحت‌الشعاع قرار دهند (پایلابی و ال مالکاوای^۱، ۲۰۱۷). در خصوص عملکرد شرکت نیز، هیئت مدیره یا بعبارتی مدیران ارشد، به عنوان مهم‌ترین رکن شرکت که انواع تصمیمات مالی و مالیاتی را اتخاذ می‌کنند، می‌توانند بر سیاست‌های مالیاتی تاثیرگذار باشند (اسعدی و همکاران، ۱۳۹۲). بر اساس پژوهش آلبرینگ و همکاران^۲ (۲۰۱۴) شرکت‌هایی که میزان استقلال هیئت مدیره، تخصص مالی اعضای کمیته‌ی حسابرسی، مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی آن‌ها بیشتر باشد، علی‌الخصوص مدیرعامل نقش دوگانه‌ای در شرکت نداشته باشد (جدایی نقش مدیرعامل از ریاست هیئت مدیره)، گزارشگری مالی آن‌ها بویژه در مورد اقلام مربوط به مالیات دارای کیفیت بالاتری نسبت به شرکت‌های دیگر می‌باشد. سیاست مدیریت مالیاتی یک راه قانونی با استفاده از خلاءهای موجود در قوانین مالیاتی جهت عدم پرداخت یا تاخیر در پرداخت مالیات برای شرکت‌ها است (رضازاده و خانی، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌های قرن حاضر درگیر مدیریت مالیاتی باشند و به همین دلیل تعیین عوامل تاثیرگذار بر سطح آن‌ها در شرکت‌ها اهمیت زیادی دارد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶). به طور مثال، در طول سال‌های اخیر کشور ایران دچار بحران‌های مالی متعددی شده است به خصوص اینکه در سال ۱۳۹۰ میانگین نرخ ارز در بازار تهران نسبت به سال قبل افزایش قابل توجهی یافت و از قیمت ۱۱۰۵۰ ریال به قیمت ۲۱۵۰۰ ریال نوسان داشته است (عاطفی‌منش و کشاورز، ۱۳۹۱). بحران سال ۱۳۹۰ اثرات معنادار بر فروش، سودآوری و منابع مالی شرکت‌ها ایجاد نموده است که این امر موجب می‌شود، مدیران با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶) و فعالیت‌های متفاوت مالیاتی مانند مدیریت مالیاتی و فعالیت‌های مالیاتی جسورانه، اقدام به کنترل پرداخت و کاهش مالیات پرداختی خود نمایند.

طبق فرضیه ارتقای سیاسی، عملکرد مدیران شرکت‌ها به طور عمده بر اساس معیارهای کوتاه‌مدت سنجیده می‌شود (رضایی و جعفری نیارکی، ۱۳۹۴)، بنابراین مدیران شرکت‌ها سعی می‌نمایند تا به هر طریق ممکن از جمله استفاده از مدیریت مالیاتی و اجتناب مالیاتی و یا به طور کل فعالیت‌های مالیاتی جسورانه، عملکرد دوره جاری را بهبود بخشند، که متأسفانه این امور منجر به کیفیت کمتر گزارشگری مالی می‌گردد. از نظر پایلابی و ال مالکاوای (۲۰۱۷) یکی از راهکارهای پیشرفت، نظارت بیشتر توسط هیئت مدیره و رعایت قوانین حاکمیت شرکتی در شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌گذاری در بازارهای سهام حوزه‌ی خلیج فارس است که می‌تواند سبب کسب منافع سریع و بیشمار گردد و از مزایای این امور معافیت مالیاتی، تضمین بازگشت سرمایه‌گذاری و ثبات سیاسی، ترقی استراتژی و پیشرفت در نوع تجارت خاص است.

با توجه به الزام حسابرسی مالیاتی توسط حسابرسان مستقل به موجب ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم و انتخاب (پیشنهاد) حسابرسان مستقل توسط هیئت مدیره و تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام، هیئت مدیره می‌تواند بر میزان هزینه‌های غیر قابل قبول مالیاتی و نیز انواع معافیت‌های مالیاتی و تاخیر در پرداخت‌های مالیاتی و همچنین اظهار نظر آن‌ها در خصوص مالیات بر ارزش افزوده بر حسابرسان اعمال نظر نموده و هر آنچه که خود مد نظر دارند را از طریق حسابرسان مالیاتی تاییدیه بگیرند و با توجه به مهلت پیش‌بینی شده در قانون مالیات‌ها برای رسیدگی و صدور برگه تشخیص مالیاتی و امکان تجدید نظر و تشکیل شورای حل اختلاف، مودیان مالیاتی می‌توانند در نقدینگی خود صرقه‌جویی زیادی به عمل آورند. آن‌ها همچنین می‌توانند میزان درآمدها و هزینه‌های قابل محاسبه برای تعیین مالیات در سال‌های مختلف را دستکاری نموده و

1. Pillai & Al-Malkawi

2. Albring et al

موجب انتقال هزینه‌های مالیاتی به دوره‌های آتی گردند (اسعدی و همکاران، ۱۳۹۲). بررسی‌ها نشان داده است که نظارت از طرف هیئت مدیره کوچکتر و یک کمیته‌ی حسابرسی بزرگتر بر روی تفاوت درآمد دفتری و مالیاتی، قوی‌تر و اثربخش‌تر می‌باشد (مور^۱، ۲۰۱۲). اینگونه شرکت‌ها با گزارشگری مالی صحیح از جمله ارقام مالیات، که در صورت‌های مالی بسیار با اهمیت می‌باشند، می‌توانند هزینه‌های حسابرسی شرکت را بکاهند و همچنین سبب کیفیت بیشتر حسابرسی شوند (آلبرینگ و همکاران، ۲۰۱۴). از نظر کیان و همکاران (۲۰۱۶) بهتر آن است که شرکت‌ها و حتی کارکنان آن به ویژه هیئت مدیره، داوطلبانه به پرداخت مالیات بر طبق قوانین اقدام نمایند زیرا این اقدام داوطلبانه می‌تواند نقش بسیار موثری در پیشرفت جامعه و فرهنگ پرداخت مالیات داشته باشد.

۳- پیشینه تجربی پژوهش

مینیک و نوگا (۲۰۱۰) در مطالعه‌ی اثرات ویژگی‌های اصول راهبری شرکت‌ها را بر مدیریت مالیات جستجو نمودند. آن‌ها نشان دادند که طرح‌های پاداش به عنوان محرکی برای مدیران جهت سرمایه‌گذاری در طرح‌های بلندمدت و مدیریت مالیاتی عمل می‌کند. همچنین یافته‌ها نشان داد که مدیریت مالیات سهامداران را متنفع می‌سازد و مدیریت بهتر مالیاتی به طور مثبت با افزایش عایدی سهامداران در ارتباط است.

لانیس و ریچاردسون^۲ (۲۰۱۱) به بررسی تاثیر ترکیب هیئت مدیره بر رویه مالیاتی متهورانه پرداختند. به این نتیجه رسیدند که تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره رابطه‌ی منفی و معنادار با رویه مالیاتی متهورانه دارد. به عبارت دیگر، هرچه تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره بیشتر باشد، شرکت کمتر به مدیریت مالیات روی می‌آورد.

ریچاردسون و همکاران^۳ (۲۰۱۴) پژوهشی با عنوان درماندگی مالی، مدیران غیرموظف و اجتناب مالیاتی شرکت‌های بزرگ: تجزیه و تحلیل تجربی انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که متغیرهای درماندگی مالی و بحران مالی رابطه‌ی مثبتی با اجتناب مالیاتی دارند. همچنین درماندگی مالی (شرکت‌های خاص و بزرگ) بر رابطه‌ی بین بحران مالی جهانی و اجتناب از مالیات تاثیرگذار بوده است. سرانجام نتایج حاکی از تاثیرگذاری درماندگی مالی (شرکت‌های خاص و بزرگ) بر روی رابطه‌ی بین استقلال هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی بوده است.

آرمسترونگ و همکاران^۴ (۲۰۱۵) به پژوهشی با عنوان حاکمیت شرکتی، انگیزه‌ها و اجتناب مالیاتی پرداختند. آن‌ها رابطه‌ی معناداری بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی، چه در میانه و چه در میانگین تابع توزیع اجتناب مالیاتی نیافتند. اما بین استقلال و تخصص مالی هیئت مدیره با سطوح پایین اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری و بین آن‌ها با سطوح بالایی از اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری یافتند. همچنین نتایج حاکی از آن می‌باشد که این ویژگی‌های حاکمیتی رابطه قوی‌تری با سطوح شدیدتری از اجتناب مالیاتی دارند.

فرانسیس و همکاران^۵ (۲۰۱۶) به بررسی موضوعی با عنوان مزیت سیاسی دوگانگی مدیرعامل و مدیریت مالیاتی شرکت پرداختند. نتایج نشان داد که هرچه مقام سیاسی مدیرعامل بالاتر باشد، مدیریت مالیات در آن شرکت نیز بیشتر خواهد شد و این نتیجه حاکی از رابطه‌ی مثبت بین این دو متغیر می‌باشد.

1. Moore

2. Lanis & Richardson

3. Richardson et al

4. Armstrong et al

5. Francis et al

تانگ^۱ (۲۰۱۶) به بررسی دوگانگی مدیرعامل شرکت و عملکرد شرکت با توجه به نقش تعدیل‌گر مدیران غیرموظف پرداخت. پژوهش وی نشان داد که دوگانگی وظیفه‌ی مدیرعامل زمانیکه مدیران غیرموظف در جلسات حضور داشتند بر عملکرد بی‌تاثیر بوده است اما در غیر اینصورت دوگانگی وظیفه‌ی مدیرعامل بر روی عملکرد تاثیر بسزایی داشت.

ساندویک^۲ (۲۰۱۶) به بررسی تاثیر انطباق مالیات دفتری و مدیریت سود در پاسخ به کاهش نرخ مالیات پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان دادند که تغییرات در نرخ قانونی مالیات، شرکت‌هایی را که در حوزه‌های قضایی، درآمد دفتری و مالیاتی آن‌ها منطبق با یکدیگر هستند را نسبت به شرکت‌هایی که این تطابق در درآمد را ندارند، تحت تاثیر بیشتری قرار می‌دهد. هم‌چنین پژوهش وی نشان داد؛ در شرکت‌هایی که درآمد دفتری و مالیاتی آن‌ها تفاوت حائز اهمیتی دارند، مدیریت سود بیشتر اتفاق می‌افتد.

مور و همکاران (۲۰۱۷) به پژوهشی با عنوان توانمندسازی دوگانه و مدیریت مالیاتی: شرکت‌های خانوادگی و هیئت مدیره طبقه بندی شده پرداختند. نتایج نشان داد که وضعیت شرکت‌های خانوادگی و ساختار هیئت مدیره طبقه‌بندی شده با اجتناب مالیاتی رابطه‌ی منفی دارند. آن‌ها نیز یافتند که رابطه‌ی بین دو معیار توانمندسازی و مدیریت مالیاتی فقط در جایی که دیگر مکانیزم‌های توانمندسازی وجود نداشته باشند، منفی است. در ادامه نتایج آن‌ها نشان داد که نظارت بیشتر توسط سرمایه‌گذاران نهادی می‌تواند تعامل بین حضور یک هیئت مدیره طبقه بندی شده با وضعیت شرکت خانوادگی را خنثی کند. همچنین مکانیزم‌های حاکمیتی و نظارتی می‌توانند به روش‌های پیچیده‌ای از جمله؛ یک تاثیر جبران کننده بین مکانیزم‌های توانمندسازی دوگانه و بالقوه‌ی اضافی، بر رفتارهای مدیریت مالیاتی تاثیر گذارند.

لو و وانگ^۳ (۲۰۱۸) به بررسی محافظه‌کاری مدیریتی، استقلال هیئت مدیره و نوآوری شرکت پرداختند. آن‌ها دریافتند که استقلال هیئت مدیره بر نوآوری شرکت‌ها تاثیر مثبتی دارد، این اثر در شرکت‌هایی که در صنایع غیرفنی بزرگتر، رقابت کم‌تر بازار محصول، استفاده بیشتری از بدهی و مدیران ریسک‌گریز دارند، تاثیرگذارتر است. همچنین آن‌ها دریافتند که هیئت مدیره‌ای که استقلال بیشتری دارند از جبران بر مبنای حقوق صاحبان سهام، مخصوصا گزینه‌های سهام، برای ارتقا ریسک مدیریتی استفاده می‌کنند و از این طریق نوآوری را افزایش می‌دهند.

پورحیدری و برهانی نژاد (۱۳۹۱) به بررسی تاثیر خصوصیات اصول راهبری شرکت‌ها بر مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داده است که بین اندازه‌ی هیئت مدیره و مدیریت مالیات ارتباط معناداری وجود ندارد. همچنین، نتایج نشان داد که ارتباط منفی و معنادار بین ترکیب هیئت مدیره و نرخ موثر مالیاتی وجود دارد. سایر یافته‌ها بیانگر ارتباط مثبت و معنادار بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و نرخ موثر مالیاتی می‌باشد.

بحری‌ثالث و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان ویژگی‌های هیئت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان دادند که بین استقلال هیئت مدیره و دانش هیئت مدیره با استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه‌ی معناداری وجود دارد. اما بین اندازه هیئت مدیره و تعداد جلسات هیئت مدیره با استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

امینی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تاثیر استقلال اعضای هیئت مدیره بر رابطه‌ی اجتناب مالیاتی و ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. نتایج نشان داد که بین نرخ موثر مالیات نقدی و مالیات نقدی بلند مدت با ریسک سقوط قیمت سهام رابطه معناداری وجود ندارد، اما بین نرخ موثر مالیات تعهدی و مالیات تعهدی بلندمدت با ریسک سقوط قیمت سهام رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از آن بوده‌اند که حضور اعضای غیر موظف در هیئت مدیره تاثیر معناداری بر رابطه

1. Tang

2. Sundvik

3. Lu & Wang

بین نرخ موثر مالیات نقدی، مالیات نقدی بلندمدت، مالیات تعهدی و نرخ موثر مالیات تعهدی بلند مدت با ریسک سقوط قیمت سهام ندارد.

صفری گرایلی و پودینه (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان اجتناب مالیاتی و به موقع بودن اعلان سود: آزمون تجربی از بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که فعالیت‌های اجتناب مالیاتی، سبب تاخیر در اعلان سود سالانه شرکت‌ها می‌گردد.

اروجلو و همکاران (۱۳۹۶) تاثیر اندازه هیئت مدیره بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان داد اندازه هیئت مدیره بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر مستقیم و معناداری دارد. نتایج مربوط به متغیرهای کنترلی نشان داد متغیرهای اعضای مستقل هیئت مدیره، تعداد جلسات هیئت مدیره، اندازه کمیته حسابرسی و تعداد جلسات کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر مستقیم و معناداری دارند.

رنجبر جمال‌آبادی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی درصد مالکیت مدیرعامل و اندازه‌ی شرکت با بیش تامین مالی شرکت‌های IPO پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از این است که بین درصد مالکیت مدیرعامل با میزان بیش سرمایه‌گذاری در شرکت‌های IPO رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. بین اندازه شرکت و بیش سرمایه‌گذاری در شرکت‌های IPO رابطه معنادار وجود ندارد و در نهایت بین درصد اعضای غیرموظف به کل اعضای هیئت مدیره و بیش سرمایه‌گذاری در شرکت‌های IPO رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد.

۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه‌ی تجربی، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اول: بین اندازه‌ی هیئت مدیره و مدیریت مالیاتی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین استقلال هیئت مدیره و مدیریت مالیاتی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین دوگانگی وظیفه‌ی مدیرعامل و مدیریت مالیاتی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین مالکیت مدیریتی و مدیریت مالیاتی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق، از جهت همبستگی و روش‌شناسی تحقیق، از نوع شبه تجربی و پس‌رویدادی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری می‌باشد که اطلاعات مورد استفاده‌ی در آن به صورت واقعی می‌باشد. در همین راستا می‌توان گفت، نوعی تحقیق کاربردی است. همچنین این پژوهش مبتنی بر اطلاعات واقعی بازار سهام، صورت‌های مالی، یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و گزارش‌های مجامع شرکت‌های بورس اوراق بهادار است. در این تحقیق با برداشت مستقیم اطلاعات مورد نیاز از صورت‌های مالی، ره آورد نوین و سایت سازمان بورس، مجموع داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها جمع‌آوری شده و پس از انتخاب شرکت‌های نمونه جهت انجام برخی محاسبات از نرم افزار Excel استفاده شده است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات، از مدل‌های رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار اقتصادسنجی Eviews نسخه ۹ استفاده شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی تحقیق از سال ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ می‌باشد. در پژوهش حاضر کلیه شرکت‌های جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده‌اند به عنوان نمونه انتخاب و بقیه حذف شده‌اند.

(الف) به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند ماه باشد.

(ب) جزء شرکت‌های مالی (مثل بانک‌ها، موسسات بیمه) و شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشند.

(پ) در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشند.

(ت) اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در دسترس باشند.

با توجه به محدودیت‌های اعمال شده تعداد ۱۴۳ شرکت انتخاب شده‌اند.

۶- مدل پژوهش و متغیرهای آن

بر اساس فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش مدلی به شرح زیر طراحی شده است:

(۱)

$$ETR_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 BSIZE_{it} + \alpha_2 IND_{it} + \alpha_3 Duality_{it} + \alpha_4 Direct_{it} + \alpha_5 FSIZE_{it} + \alpha_6 Leverage_{it} + \alpha_7 Age_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

متغیر وابسته

مدیریت مالیاتی، که به عنوان توانایی پرداخت مالیات کمتر در دوره‌های زمانی بلندمدت تعریف می‌شود (پور حیدری و برهانی نژاد، ۱۳۹۱). اگر مدیریت این توانایی را داشته باشد که نرخ موثر مالیات را در بلند مدت کاهش دهد یعنی مدیریت مالیاتی اتفاق افتاده است.

به پیروی از دیرنگ و همکاران^۱ (۲۰۰۸) و پورحیدری و برهانی نژاد (۱۳۹۱) در این پژوهش ابتدا نرخ موثر مالیاتی محاسبه خواهد شد. نرخ موثر مالیاتی به عنوان نسبت کل هزینه مالیات به درآمد قبل از مالیات تعریف شده است.

(۲)

$$ETR = \frac{Tax - E_{i,t}}{Pre - tax_{i,t}}$$

که در آن $Tax - E_{i,t}$ هزینه مالیات و $Pre - tax_{i,t}$ درآمد قبل از مالیات می‌باشد.

با توجه به اینکه معیار یک سال معیار مناسبی برای فرار مالیاتی نمی‌باشد، برای کنترل این موضوع مانند دیرنگ و همکاران (۲۰۰۸) و پور حیدری و برهانی نژاد (۱۳۹۱) نرخ موثر مالیاتی برای یک دوره زمانی بلندمدت در نظر گرفته شده است، در این پژوهش دوره زمانی مذکور ۵ ساله می‌باشد. معیار نرخ موثر مالیاتی بلند مدت میانگین جمع کل مالیات‌های پرداختی در دوره زمانی ۵ سال تقسیم بر جمع کل درآمد مشمول مالیات برای همان دوره می‌باشد (پور حیدری و برهانی نژاد، ۱۳۹۱).

متغیرهای مستقل

BFSIZE: اندازه هیئت مدیره، که به صورت تعداد اعضای هیئت مدیره شرکت اندازه‌گیری می‌شود؛ **IND**: استقلال هیئت مدیره، همانند پژوهش دیمیتروپولوس و آستریو^۲ (۲۰۱۰) و مرادی و همکاران (۱۳۹۱) در این پژوهش بصورت نسبت مدیران غیرموظف به کل اعضای هیئت مدیره شرکت اندازه‌گیری می‌شود؛ **Duality**: دوگانگی وظیفه مدیرعامل، که در این پژوهش به این صورت اندازه‌گیری خواهد شد: اگر مدیرعامل، رئیس هیئت مدیره نیز باشد برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر می‌باشد؛ **Direct**: مالکیت مدیریتی، که بیانگر درصد سهام نگهداری شده توسط اعضای خانواده هیئت مدیره است.

متغیرهای کنترلی

FSIZE: اندازه شرکت می‌باشد که نحوه‌ی اندازه‌گیری آن در این پژوهش به صورت لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت است، بسیاری از محققان که بر روی نرخ موثر مالیاتی پژوهش نموده‌اند این متغیر را در تجزیه و تحلیل، درگیر نمودند (گوپتا و نیوبری، ۱۹۹۷؛ ریچاردسون و لانیس، ۲۰۰۷؛ هانلون و اسلمرود^۳، ۲۰۰۹؛ زمزم و فتوحی^۴، ۲۰۱۳؛ پورحیدری و برهانی نژاد (۱۳۹۱)؛ **Leverage**: اهرم مالی شرکت عبارت است از حاصل تقسیم بدهی‌های بلندمدت (در پایان

¹. Dyreng et al

². Dimitropoulos & Asteriou

³. Hanlon & Slemrod

⁴. Zemzem & Ftouhi

دوره) بر مجموع دارایی‌ها (در پایان دوره)؛ Age: این نماد نشان دهنده‌ی سن شرکت است که نحوه‌ی اندازه‌گیری آن بصورت عمر و مدت زمان تاسیس شرکت، می‌باشد. این متغیر بر اساس فاصله زمانی بین تاریخ تاسیس تا پایان دوره زمانی پژوهش اندازه‌گیری شده است.

۷- یافته‌های پژوهش

۷-۱- آماره‌های توصیفی

با توجه به اینکه اطلاعات و داده‌های موردنظر همگی کمی هستند برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در مراحل اولیه از آمار توصیفی استفاده شده است. هدف از ارائه این بخش ارائه داده‌های آماری اولیه معرف و ویژگی متغیرهای مورد مطالعه در میان شرکت‌های نمونه آماری می‌باشد. این هدف باعث می‌شود تا بدانیم با چه مبنایی سر و کار داریم و مبنایی برای تحلیل‌های خود در اختیار داشته باشیم زیرا شناخت ما را در تعمیم نتایج و تحلیل ارتباطات بین متغیرهای اساسی پژوهش یاری خواهد نمود. خلاصه ویژگی‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در آزمون فرضیات پژوهش در قالب آماره‌های توصیفی در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

میانگین متغیر نرخ موثر مالیاتی برای شرکت‌های مورد مطالعه برابر با ۰/۱۰۰ است و میانه آن ۰/۰۹۴ است. کمترین مقدار و بیشترین مقدار این متغیر به ترتیب برابر ۰/۰۰۰ و ۰/۲۲۵ است. این مقادیر نشان‌دهنده دامنه تغییرات بالای این متغیر است. میانگین و میانه متغیر اندازه شرکت به ترتیب برابر ۱۳/۷۵۸ و ۱۳/۶۴۹ است. کمترین و بیشترین مقدار متغیر اندازه شرکت بیانگر تنوع شرکت‌های موجود در نمونه از لحاظ اندازه می‌باشد. میانگین متغیر اهرم مالی برای شرکت‌های مورد مطالعه برابر با ۰/۶۷۲ است و میانه آن ۰/۶۶۰ است. این مقادیر نشان می‌دهد مقدار زیادی از ساختار سرمایه شرکت‌ها از بدهی‌ها تشکیل شده است. کمترین مقدار و بیشترین مقدار این متغیر به ترتیب برابر ۰/۳۰۷ و ۱/۰۵۵ است. بیشتر از یک شدن مقدار اهرم مالی به دلیل وجود زیان انباشته در قسمت حقوق صاحبان سرمایه برخی شرکت‌ها و در نتیجه منفی شدن مقدار آن است. میانگین و میانه سال‌های فعالیت شرکت‌های موجود در نمونه به ترتیب برابر ۳۶/۹۵۷ و ۳۹ سال است. میانگین و میانه متغیر اندازه هیئت مدیره برابر ۵/۰۱۳ و ۵ است. بیشترین تعداد اعضای هیئت مدیره برابر ۷ و کمترین مقدار آن برابر ۳ است. میانگین درصد استقلال هیئت مدیره برابر ۰/۶۳۷ می‌باشد، یعنی ۰/۶۳۷ درصد از کل اعضای هیئت مدیره را مدیران غیرموظف تشکیل می‌دهند و میانه آن برابر ۰/۶۰۰ است. کمترین استقلال هیئت مدیره مربوط به شرکت کمک فنر ایندամین است که دارای سه نفر عضو هیئت مدیره و هر سه نفر موظف می‌باشند. بنابراین کمترین مقدار این متغیر برابر صفر شده است. همچنین، به طورمتوسط از هر ۱۰۰ شرکت تقریباً در ۶ شرکت مدیرعامل رئیس هیئت مدیره نیز می‌باشد. میانگین و میانه متغیر مالکیت مدیریتی نشان‌دهنده این است که به طور میانگین تنوع ساختار مالکیت در شرکت‌های موجود در بورس ایران کم است. میانگین متغیر دوگانگی نقش هیئت مدیره که به صورت موهومی (صفر و یک) تعریف شده است، برابر ۰/۰۶۴ است. این مقدار نشان می‌دهد در حدود ۶ درصد از شرکت‌ها مدیرعامل، رئیس هیئت مدیره بوده است.

جدول (۱) - آمار توصیفی

متغیرها	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
نرخ موثر مالیاتی	۰/۱۰۰	۰/۰۹۴	۰/۲۲۵	۰/۰۰۰	۰/۰۸۸
اندازه هیئت مدیره	۵/۰۱۳	۵/۰۰۰	۷/۰۰۰	۳/۰۰۰	۰/۲۷۷
استقلال هیئت مدیره	۰/۶۳۷	۰/۶۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۶۴
دوگانگی نقش هیئت مدیره	۰/۰۶۴	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۴۶
مالکیت مدیریتی	۰/۷۸۲	۰/۸۰۰	۰/۹۹۵	۰/۱۰۰	۰/۱۴۷
اندازه شرکت	۱۳/۷۵۸	۱۳/۶۴۹	۱۶/۲۵۶	۱۱/۸۱۵	۱/۱۹۰

اهرم مالی	۰/۶۷۲	۰/۶۶۰	۱/۰۵۵	۰/۳۰۷	۰/۱۹۷
سن شرکت	۳۶/۹۵۷	۳۹/۰۰۰	۵۶/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۱۲/۵۰۳

۷-۲- آمار استنباطی

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش ابتدا باید متغیرهای پژوهش محاسبه شود. سپس متغیرهای محاسبه شده در مدل‌های مربوط قرار داده شده و فرضیات پژوهش مورد آزمون قرار گیرد. در ادامه نتایج مربوط به هر یک از فرضیات پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۷-۲-۱- برآورد مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج مربوط به برآورد مدل پژوهش با استفاده از مدل اثر ثابت و قدرتمندسازی برای ناهمسانی واریانس در جدول شماره ۲ ارائه شده است:

جدول شماره (۲) - برآورد مدل آزمون فرضیه‌ها

متغیرها	ضرایب	انحراف	آماره t	احتمال
اندازه هیئت مدیره	۰/۰۰۱۸	۰/۰۰۲۹	۰/۴۴۸۵	۰/۶۵۳۹
استقلال هیئت مدیره	۰/۰۰۱۶	۰/۰۰۷۰	۰/۲۲۴۸	۰/۸۲۲۲
دوگانگی نقش هیئت مدیره	-۰/۰۰۵۸	۰/۰۰۲۶	-۲/۲۳۰۲	۰/۰۲۶۱
مالکیت مدیریتی	۰/۰۱۰۰	۰/۰۱۷۳	۰/۵۷۶۰	۰/۵۶۴۸
اندازه شرکت	۰/۰۰۷۷	۰/۰۰۲۷	۲/۸۱۱۹	۰/۰۰۵۱
اهرم مالی	-۰/۰۴۰۷	۰/۰۰۶۹	-۵/۹۰۴۹	۰/۰۰۰
سن شرکت	-۰/۰۰۴۷	۰/۰۰۰۷	-۶/۴۹۰۸	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	۰/۱۹۶۶	۰/۰۳۱۹	۶/۱۶۳۰	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۹۷۳	آماره F	۱۷۳/۶۴۰	
آماره دوربین واتسون	۱/۸۴	احتمال آماره F		۰/۰۰۰
متغیر وابسته: نرخ موثر مالیاتی				

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، ضریب متغیر اندازه هیئت مدیره برابر ۰/۰۰۱۸ و احتمال آن برابر ۰/۶۵۳۹ است که حاکی از عدم رابطه معنادار این متغیر و نرخ موثر مالیاتی است. بنابراین فرضیه اول رد می‌شود یعنی بین اندازه هیئت مدیره و مدیریت مالیاتی رابطه معنادار وجود ندارد.

ضریب متغیر استقلال هیئت مدیره برابر ۰/۰۰۱۶ و احتمال آن برابر ۰/۸۲۲۲ است. این مقادیر نشان‌دهنده عدم رابطه معنادار این متغیر و نرخ موثر مالیاتی می‌باشد. بنابراین فرضیه دوم رد می‌شود یعنی بین استقلال هیئت مدیره (نسبت مدیران غیرموظف هیئت مدیره) و مدیریت مالیاتی رابطه معنادار وجود ندارد.

ضریب متغیر دوگانگی نقش مدیرعامل برابر ۰/۰۰۵۸- و احتمال آن برابر ۰/۰۲۶۱ است. این مقادیر نشان‌دهنده رابطه منفی و معنادار این متغیر و نرخ موثر مالیاتی می‌باشد به عبارت دیگر، بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و مدیریت مالیاتی رابطه مثبت وجود دارد (با توجه به اینکه بین نرخ موثر مالیاتی و مدیریت مالیاتی ارتباط منفی وجود دارد). بنابراین فرضیه سوم تایید می‌شود یعنی بین دوگانگی نقش مدیرعامل و مدیریت مالیاتی رابطه معنادار وجود دارد.

ضریب و احتمال متغیر مالکیت مدیریتی برابر $0/0100$ و احتمال آن برابر $0/5648$ است که حاکی از عدم رابطه معنادار این متغیر و مدیریت مالیاتی است. بنابراین فرضیه چهارم نیز رد می‌شود یعنی بین مالکیت مدیریت و مدیریت مالیاتی رابطه معنادار وجود ندارد.

ضریب و احتمال متغیر اندازه شرکت بیانگر رابطه مثبت و معنادار این متغیر و نرخ موثر مالیاتی و رابطه منفی با مدیریت مالیاتی می‌باشد. همچنین ضریب و احتمال متغیرهای اهرم مالی و سن شرکت بیانگر رابطه منفی و معنادار این متغیرها و نرخ موثر مالیاتی و رابطه مثبت این متغیرها با مدیریت مالیاتی است.

ضریب تعیین تعدیل شده بیانگر این است که حدود ۹۷ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل تبیین می‌شود. آماره دوربین واتسون برابر $1/84$ است که نشان می‌دهد میان باقیمانده‌های رگرسیون خودهمبستگی سریالی وجود ندارد. آماره و احتمال آماره F بیانگر معناداری کل رگرسیون است.

۸- نتیجه گیری و پیشنهادات

بدلیل اهمیت موضوع مالیات در کشورها به خصوص ایران و عواملی که می‌تواند بر روی آن تاثیرگذار باشند، در این پژوهش به بررسی تاثیر ساختار هیئت مدیره بر روی مدیریت مالیاتی در طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ با انتخاب ۱۴۳ شرکت پذیرفته شده‌ی بورس اوراق بهادار تهران، پرداختیم.

در این پژوهش به بررسی ۴ فرضیه پرداخته شد که نتایج آن در زیر بیان می‌شود:

۸-۱- نتایج فرضیه اول

با توجه به این فرضیه که به بررسی تاثیر اندازه‌ی هیئت‌مدیره و مدیریت مالیاتی پرداخته شد، نتایج بر اساس تحلیل‌های آماری نشان دادند که اندازه‌ی هیئت‌مدیره هیچ تاثیری بر نرخ موثر مالیاتی و مدیریت مالیاتی ندارد. این بدان معناست که تعداد اعضای هیئت مدیره‌ی زیاد و یا کم دلیلی بر رخ دادن یا ندادن مدیریت مالیاتی در شرکت‌ها نخواهند شد. در این راستا نیز می‌توان بیان کرد: اگرچه مدیریت مالیاتی که به معنای پرداخت مالیات کمتر در دوره‌ی زمانی بلندمدت است، در شرکتی صورت پذیرد، نبایست تعداد اعضای هیئت‌مدیره را عامل وجود آن دانست. نتیجه‌ی این فرضیه مطابق با پژوهش پورحیدری و برهانی‌نژاد (۱۳۹۱) و بحری‌ثالث و همکاران (۱۳۹۳) می‌باشد. پژوهش‌های آن‌ها نیز نشان دادند که اندازه‌ی هیئت‌مدیره بر مدیریت مالیاتی تاثیری ندارد.

۸-۲- نتایج فرضیه دوم

در این فرضیه که به رابطه‌ی بین استقلال هیئت‌مدیره و مدیریت مالیاتی پرداخته شد، به این نتیجه رسیدیم که بین استقلال هیئت‌مدیره و نرخ موثر مالیاتی و مدیریت مالیاتی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. این بدین معناست که چنانچه تعداد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره نسبت به کل اعضای آن زیاد یا کم بوده باشد، دلیلی بر وجود یا عدم وجود (اتفاق افتادن یا اتفاق نیافتادن) مدیریت مالیاتی نمی‌شود. نتیجه‌ی این فرضیه برخلاف نتیجه‌ی پژوهش لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۱) و بحری‌ثالث و همکاران (۱۳۹۳) می‌باشد. زیرا پژوهش‌های آنان رابطه‌ی معناداری بین استقلال هیئت مدیره و مدیریت مالیاتی را نشان داد و اما این رابطه منفی بوده است بدین معنا که هرچه استقلال هیئت مدیره و یا تعداد اعضای مدیران غیر موظف بیشتر باشد احتمال به وقوع پیوستن مدیریت مالیاتی کمتر خواهد شد و همچنین مخالف با نتیجه پژوهش‌های مینیک و نوگا (۲۰۱۰) و پورحیدری و برهانی‌نژاد (۱۳۹۱) می‌باشد زیرا آن‌ها دریافتند بین استقلال هیئت مدیره با مدیریت مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنا که هرچه استقلال هیئت مدیره و یا تعداد اعضای مدیران غیر موظف بیشتر باشد احتمال به وقوع پیوستن مدیریت مالیاتی بیشتر خواهد شد. در اینجا لازم است به پژوهش آرمسترونگ و همکاران (۲۰۱۵) نیز اشاره شود زیرا آن‌ها در پژوهش خود از نرخ موثر مالیاتی به عنوان نماینده اجتناب مالیاتی استفاده نمودند و دریافتند، که بین استقلال هیئت مدیره با سطوح پایین اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنادار و با سطوح بالایی از اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

۸-۳- نتایج فرضیه سوم

طبق این فرضیه بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و نرخ موثر مالیاتی رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد و با توجه به اینکه بین نرخ موثر مالیاتی و مدیریت مالیاتی ارتباط منفی وجود دارد لذا بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و مدیریت مالیاتی رابطه مثبت وجود دارد. یعنی اگر مدیرعامل رئیس هیئت مدیره نیز باشد احتمال رویداد مدیریت مالیاتی در شرکت‌ها بیشتر خواهد شد و بالعکس. اما این نتیجه در تضاد با نتایج مینیک و نوگا (۲۰۱۰) و پورحیدری و برهانی‌نژاد (۱۳۹۱) بوده است. زیرا آن‌ها دریافتند که دوگانگی وظیفه مدیرعامل رابطه‌ی منفی با مدیریت مالیاتی دارد. بدین معنا که چنانچه مدیرعامل رئیس هیئت مدیره باشد می‌تواند عاملی برای کاهش رویداد مدیریت مالیاتی در شرکت شود.

۸-۴- نتایج فرضیه چهارم

در این فرضیه که به رابطه‌ی بین مالکیت مدیریتی و مدیریت مالیاتی پرداخته شد، نتایج نشان داد که مالکیت مدیریتی هیچ تاثیری بر نرخ موثر مالیاتی و مدیریت مالیاتی ندارد. بدین معنا که وجود درصدی از سهام مالکیت شرکت که بنام اعضای خانواده‌ی هیئت مدیره باشد، نمی‌تواند دلیلی بر رویداد مدیریت مالیاتی در شرکت‌ها شود. یا می‌توان بیان کرد، که وجود مدیریت مالیاتی را نمی‌توان بر مالکیت مدیریتی در شرکت‌ها نسبت داد.

در مورد رابطه‌ی متغیرهای کنترلی با مدیریت مالیاتی نیز نتایج نشان داد که اندازه شرکت دارای رابطه مثبت و معنادار با نرخ موثر مالیاتی و دارای رابطه منفی با مدیریت مالیاتی می‌باشد. به عبارت دیگر، در ایران شرکت‌های بزرگتر تمایل کمتری به مدیریت مالیات دارند، که مطابق با نتایج پژوهش‌های گوپتا و نیوبری (۱۹۹۷)، هانلون و اسلمرود (۲۰۰۹) و زمزم و فتوحی (۲۰۱۳) و در تضاد با پژوهش ریچاردسون و لانیس (۲۰۰۷) و پورحیدری و برهانی‌نژاد (۱۳۹۱) است. اهرم مالی رابطه منفی و معنادار با نرخ موثر مالیاتی و رابطه مثبت با مدیریت مالیاتی دارد به عبارت دیگر شرکت‌هایی که دارای اهرم مالی بالایی می‌باشند، تمایل بیشتری برای مدیریت مالیات دارند که در تضاد با نتیجه پور حیدری و برهانی‌نژاد (۱۳۹۱) است. همچنین سن شرکت نیز رابطه منفی و معنادار با نرخ موثر مالیاتی و رابطه مثبت با مدیریت مالیاتی دارد.

۸-۵- پیشنهادهای پژوهش

با توجه به مبانی نظری و نتایج پژوهش، به مدیران و تصمیم‌گیرندگان توصیه می‌شود در تصمیمات خود، اثرگذاری خط-مشی‌های مالیاتی مختلف را در نظر بگیرند. سرمایه‌گذاران نیز به راهبردها و برنامه‌ریزی‌های مالیاتی شرکت‌ها، توجه کنند و بازتاب آن‌ها را بر جریان نقدی و عملکرد شرکت‌ها جهت اتخاذ تصمیمات مناسب بررسی نمایند و همچنین به ساختار هیئت مدیره شرکت‌ها نیز توجه ویژه ای داشته باشند چون نقش بسیار مهمی در وضعیت آینده شرکت‌ها دارند. در مجموع بازار سرمایه باید توجه بیشتری بر اهمیت ساختار هیئت مدیره شرکت‌ها داشته باشد. به مجمع عمومی موسس و عادی شرکت‌ها توصیه می‌شود که تعداد اعضای هیئت مدیره را متناسب با اندازه‌ی شرکت و میزان فعالیت آن انتخاب کنند، همچنین درصد سهام نگهداری شده توسط اعضای هیئت مدیره را به میزان بهینه تعیین نمایند تا بتوانند از این طریق هم تضاد میان مدیران و مالکان را کاهش داده و سبب عملکرد بهتر مدیران در جهت منافع مابقی ذینفعان شوند و هم تضمین هزینه‌هایی باشد که ممکن است از جانب اعمال سوء مدیران در جهت منافع خود بر دیگر ذینفعان وارد شود. به حسابرسان پیشنهاد می‌شود برای شناسایی فرار مالیاتی شرکت‌ها در بلندمدت به ساختار هیئت مدیره خصوصاً به دوگانگی وظیفه مدیر عامل دقت لازم را داشته باشند. به سازمان امور مالیاتی نیز پیشنهاد می‌شود که به منظور حفظ منافع عموم مردم، تلاش نمایند نظام مالیاتی کشور را بهبود بخشند و همچنین فرهنگ پرداخت مالیات را در بین مدیران شرکت‌ها نهادینه کنند تا از عکس‌العمل مدیران در مقابل نظام مالیاتی کاسته شود و پرداخت مالیات به عنوان یک ارزش برای شرکت‌ها در جهت حفظ رفاه عموم تلقی شود.

در حوزه پژوهشی به محققان پیشنهاد می‌شود که تاثیر متغیرهای دیگر مانند ارتباطات سیاسی و سرمایه فکری را بر مدیریت مالیاتی در شرکت‌های بورسی و فرابورسی مورد بررسی قرار دهند، همچنین تاثیر ساختار هیئت مدیره را بر فرار مالیاتی و پیچیدگی مالیاتی بررسی نمایند.

۹- منابع

۱. ابراهیمی، سید کاظم؛ بهرامی نسب، علی؛ حسن زاده، مهدی. (۱۳۹۶). واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی. فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت سازمان های دولتی. ۵، (۲): ۶۱-۷۶
۲. اسعدی، عبدالرضا؛ تهرانی، رضا؛ سمانه خستو. (۱۳۹۲). تاثیر ساختار هیات مدیره بر سیاست های جسورانه مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران
۳. اسماعیل زاده مقری، علی؛ جلیلی، محمد؛ زند عباس آبادی، عباس. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران، مجله حسابداری مدیریت: ۳، (۷): ۷۹-۹۱
۴. ارجلو، قنبر؛ تابش، محمدحسین؛ اصلی زاده، احمد؛ عسگری، محمدرضا. (۱۳۹۶). تأثیر اندازه هیئت مدیره بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری: ۳، (۳): ۳۰۳-۲۸۸
۵. امینی، پیمان؛ علیزاده، علی؛ رجیبف، مهناز. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر استقلال اعضای هیئت مدیره بر رابطه ی بین اجتناب مالیاتی و ریسک سقوط قیمت سهام. فصلنامه بورس اوراق بهادار: ۸، (۳۰): ۵۳-۸۱
۶. باغومیان، رافیک؛ نقدی، سجاد. (۱۳۹۳). تاثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر میزان افشای اختیاری در گزارشگری سالانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانش حسابداری: ۵، (۱۶): ۱۳۶-۱۱۹
۷. بحری ثالث، جمال؛ بهنمون، یعقوب؛ مددی زاده، ابراهیم. (۱۳۹۳). ویژگی های هیئت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت: ۷، (۲۲): ۵۳-۶۸
۸. پورحیدری، امید؛ برهانی نژاد، سعیده. (۱۳۹۱). بررسی تاثیر خصوصیات اصول راهبری شرکت ها بر مدیریت مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه دانش حسابداری: ۱۲، (۱۱): ۸۵-۹۹
۹. تنانی، محسن؛ رجبی، هادی. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر اندازه و استقلال هیئت مدیره بر هزینه نمایندگی. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی: ۶، (۲۳): ۱۰۳-۸۶
۱۰. حساس یگانه، یحیی؛ شعری، صابر؛ خسرو نژاد، سیدحسین. (۱۳۸۷). رابطه سازوکارهای حاکمیت شرکتی، نسبت بدهی ها و اندازه شرکت با مدیریت سود. مطالعات حسابداری: ۶، (۲۴): ۷۹-۱۱۵
۱۱. حساس یگانه، یحیی؛ خیرالهی، مرشید. (۱۳۸۷). حاکمیت شرکتی و شفافیت. مجله حسابداری: شماره ۲۰۳
۱۲. رسائیان، امیر. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر ویژگی های هیئت مدیره بر ساختار سرمایه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه برنامه ریزی و بودجه: ۱، (۱۱): ۱۹۱-۲۰۴
۱۳. رضازاده، جواد؛ خانی لنگلی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). تاثیر تمرکز مالکیت و مالکیت دولتی بر محافظه کاری حسابداری. دانش حسابداری مالی: ۲، (۳۷): ۳۳-۵۳
۱۴. رضایی، فرزین؛ جعفری نیارکی، آقایی روح اله. (۱۳۹۴). رابطه بین اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکت ها. پژوهشنامه مالیات: ۲۳، (۲۶): ۱۰۹-۱۳۴
۱۵. رنجبر جمال آبادی، حمیدرضا؛ مظفری، سیده آرزو؛ شیرغلامی، فاطمه. (۱۳۹۶). بررسی درصد مالکیت مدیرعامل و اندازه شرکت با بیش تامین مالی شرکتهای IPO. فصلنامه علمی تخصصی مدیریت، حسابداری و اقتصاد: ۱، (۱): ۱۵-۲۷
۱۶. صدیقی، روح اله. (۱۳۹۲). ارتباط ساختار هیئت مدیره با محتوای اطلاعاتی سود حسابداری. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی: ۱۱، (۳۷): ۹۹-۱۲۵
۱۷. صفری گرایی، مهدی؛ پودینه، شیوا. (۱۳۹۵). اجتناب مالیاتی و به موقع بودن اعلان سود: آزمون تجربی از بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات: ۳۱، (۷۹): ۱۰۱-۱۱۸
۱۸. عاطفی منش، رویا؛ کشاورز، احمدرضا. (۱۳۹۱). نگاهی به تحولات بازارهای مالی ایران و جهان طی سال ۱۳۹۱. مجله اقتصادی: ۱۲، (۷): ۱۱۳-۱۳۰

۱۹. محمدآزادی، زهرا؛ محمدی، اسفندیار. (۱۳۹۴). مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت و حق الزحمه حسابرسی. دانش حسابرسی: ۱۵، (۶۰): ۱۶۵-۱۷۶
۲۰. مرادی، مهدی؛ سعیدی، مجتبی؛ رضایی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر اندازه و استقلال هیات مدیره بر هزینه‌های نمایندگی. پژوهش‌های تجربی حسابداری: ۲، (۷): ۳۵-۵۴
۲۱. ملکیان، اسفندیار؛ شایسته‌مند، حمیدرضا. (۱۳۹۴). تبیین تاثیر سازوکارهای مدیریتی راهبری شرکتی بر ریسک‌پذیری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی: ۷، (۲۸): ۱۰۵-۱۲۶
۲۲. مهربانی، مهدی؛ زلقی، حسن؛ ملیحی، سید علی. (۱۳۹۴). بررسی ویژگی‌های هیئت مدیره بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی: ۱۴، (۵۸): ۱۷۱-۱۸۸
۲۳. مجتهدزاده، ویدا. (۱۳۹۰). رابطه نظریه نمایندگی و مالکیت مدیریت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی: ۳، (۱۰): ۱-۱۰
24. Albring, S., Robinson, D., & Robinson, M. (2014). Audit committee financial expertise, corporate governance, and the voluntary switch from auditor-provided to non-auditor-provided tax services, *Advances in Accounting*; 30(1): 81-94
25. Anderson, R., Mansi, S., & Reeb, D. (2004). Board characteristics, accounting report integrity, and the cost of debt, *Journal of Accounting and Economics*; 37: 315-342.
26. Armstrong, C. S., Blouin, J. L., Jagolinzer, A. D., & Larcker, D. F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance, *Journal of Accounting and Economics*; 60: 1-17
27. Bozec, Y., Bozec, R., & Dia, M. (2010). Overall governance, firm value and deviation from one share: one vote principle, *International Journal of Managerial Finance*; Vol. 6 No. 4: 305-328
28. Chau, G., & Leung, P. (2006). The impact of board composition and family ownership on audit committee formation, Evidence from Hong Kong, *Journal of international accounting, auditing and taxation*; v. 15, no. 1, p. 1-15
29. Cyan, M. R., Koumpias, A. M., & Martinez-Vazquez, J. (2016). The determinants of tax morale in Pakistan, *Journal of Asian Economics*; 47: 23-34
30. Cabrera-Suarez, M.K., & Martin-Santana, J.D. (2015). Board composition and performance in spanish non-listed family firms: The influence of type of directors and CEO duality, *BRQ Business Research Quarterly*; 18 (4): 213-229
31. Chen, M. Y. (2013). Adjustments in managerial ownership and changes in firm value. *International Review of Economics and Finance*; 25: 1-12
32. Duru, A., Iyengar, R. J., & Zampelli, E. M. (2016). The dynamic relationship between CEO duality and firm performance: The moderating role of board independence, *Journal of Business Research*: JBR-08930; No of Pages 9: 9-18.
33. Dyreng, S., Hanlon, M., & Maydew, E. (2008). Long-run corporate tax avoidance, *The Accounting Review*. 83: 61-82.
34. Dimitropoulos, P. E. & D. Asteriou. (2010). The Effect of Board Composition on the Informativeness and Quality of Annual Earnings: Empirical Evidence from Greece, *Research in International Business and Finance*; No. 24: 190-205.
35. Desai, M. & Dharmapala, D. (2009). Earnings Management, Corporate Tax Shelters, and Book-Tax Alignment, *National Tax Journal*: 62, No 1: 169-186
36. Francis, B. B., Hasan, I., Sun, X., & Wu, Q. (2016). CEO Political Preference and Corporate Tax Sheltering, *Journal of Corporate Finance*: S0929-1199(16)30027-X. CORFIN 1024: 1-59
37. Graham, J., & Tucker, A. (2006). Tax shelters and corporate debt policy, *Journal of Financial & Economic*; Vol 81: 563-594

38. Gupta, S., & Newberry, K. (1997). Determinants of the variability in corporate effective tax rate: Evidence from longitudinal data, *Journal of Accounting and Public Policy*; Vol.16, No 1: 1-39.
39. Hanlon, M. & Slemrod, J. (2009). What Does Tax Aggressiveness Signal? Evidence From Stock Price Reactions to News About Tax shelter involvement, *Journal of Public Economics*; 93(1-2): 126-141.
40. Lanis, R., & Richardson, G. (2011). The effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness, *Journal of Accounting and Public Policy*; 30(1):50-70.
41. Lugo, S. (2017). Insider ownership and the cost of debt capital: Evidence from bank loans, *International Review of Financial Analysis: FINANA-01067*; No of Pages 12: 1-12
42. Lu, J., & Wang, W. (201۸). Managerial conservatism, board independence and corporate Innovation, *Journal of Corporate Finance: vol. 48(C)* 1-16
43. Minnick, K., & Noga, T. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management, *Journal of Corporate Finance*; Vol. 16: 703-718.
44. Moore, J. A., Suh, S., & Werner, E. M. (2017). Dual entrenchment and tax management: Classified boards and family firms, *Journal of Business Research*; 79: 161-172
45. Moore, J. A. (2012). Empirical evidence on the impact of external monitoring on book-tax differences, *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*; 28: 254-269
46. Pillai, R., & Al-Malkawi, H. (2017). On the relationship between corporate governance and firm performance: Evidence from GCC countries. *Research in International Business and Finance; RIBAF 800. 5-7-2017: 1-46*
47. Richardson, G., & R. Lanis. (2007). Determinants of the variability in corporate effective tax rates and tax reform: Evidence from Australia, *Journal of Accounting and Public Policy*; Vol. 26, No 6, pp. 689-704.
48. Richardson, G., Lanis, R., & Taylor, G. (2014). Financial Distress, Outside Directors and Corporate Tax Aggressiveness Spanning the Global Financial Crisis: An Empirical Analysis. *Journal of Banking & Finance: S0378-4266(14)00375-6. JBF 4605: 1-57*
49. Rutledge, R.W., Karim, Kh. E., & Lu, S. (2016). The Effects of Board Independence and CEO Duality on Firm Performance: Evidence from the NASDAQ-100 Index with Controls for Endogeneity, *Journal of Applied Business and Economics*; Vol. 18(2) 2016: 49-72
50. Rose. C. (2005). Managerial Ownership and Firm Performance in Listed Danish Firms: In Search of the Missing Link. *European Management Journal*; Vol. 23, No. 5, PP. 542-553.
51. Rao, S., & S. Dandale. (2008). Earnings Management: A Study of Equity Rights Issues in India, *The Icfai Journal of Applied Finance*; Vol. 14, No. 11: 20-34
52. Sulong, Z., & Mat Nor, F. (2010). Corporate governance mechanisms and firm valuation in Malaysian listed, *Journal of Modern Accounting and Auditing*; Vol.6, No.1. PP. 1-18
53. Sundvik, D. (2016). Book-Tax Conformity and Earnings Management in Response to Tax Rate Cuts, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*; S1061-9518(16)30037-4. *ACCAUD 216: 1-38*
54. Schmidt, C., & Fahlenbrach, R. (2017). Do exogenous changes in passive institutional ownership affect corporate governance and firm value?, *Journal of Financial Economics*: 124: 285-306
55. Scholes, M., Wolfson, M., Erickson, M., Maydew, E. & Shevlin, T. (2009). *Taxes and Business Strategy: A Planning Approach*. 3rd edition, Prentice Hall Publication

56. Timothy, Yeung Chi Kwan. (2010). Effects of Corporate Governance on Tax Aggressiveness, Accounting Major, Hong Kong Baptist University.
57. Tang, J. (2016). CEO duality and firm performance: The moderating roles of other executives and blockholding outside directors, *European Management Journal*: 35 (3), 362-372
58. Zattoni, A., Witt, M. A., Judge, W. Q., Talaulicar, T., Chen, J. J., Lewellyn, K., Hu, H, W., Gabrielsson, J., Rivas, L, J., Puffer, S., Shukla, D., Lopez, F., Adegbite, E., Fassin, Y., Yamak, S., Fainshmidt, S., & Ees, V, H. (2017). Does board independence influence financial performance in IPO firms? The moderating role of the national business system, *Journal of World Business*: 52 (5), 628-639
59. Zemzem, A., & Ftohi, Kh. (2013). The Effects of Board of Directors' Characteristics on Tax Aggressiveness , *Research Journal of Finance and Accounting*: 4 (4)

The Impact of Board Structure on Tax Management: Evidence from Tehran Stock Exchange

Abolfazl Soleimani

Instructor of Accounting Department of Aban Haraz Institute of Higher Education, Amol, Iran. (Corresponding author)

Mahdieh Shokrian Berenjestanaki

Instructor of Accounting Department of Farvardin Institute of Higher Education, Ghaemshahr, Iran.

Elahe Nazami

Master of Accounting at Islamic Azad University, Nur Branch, Nur, Iran.

Abstract

Directors tend to reduce tax liabilities through legal holes and pursue bold tax practices that affect the interests of many stakeholders, including people. Due to the importance of this issue, the present study examined the effect of board structure on tax management. The statistical sample of this research included 143 companies listed in Tehran Stock Exchange from 2012 to 2016. To examine the hypotheses, the multivariate regression model based on panel data technique was used in Eviews software version 9. The results showed that the size of the board, the independence of the board and management ownership have no significant relationship with tax management. That is, although the number of board members and the ratio of non-executive directors were high (or low), and managers family members were (or not) shareholders of the company, this would not have any effect on the existence or absence of tax management. Also, according to the results, the duality of the CEO's duty has a positive and significant relationship with tax management. This means that if the CEO is the board head, the likelihood of tax management increases. In the case of control variables, the results also showed that the relationship between company size and the tax management is negative and significant, but the financial leverage and age of the company had a positive and significant relationship with the tax management.

Keywords: Board Size, Board Independence, CEO Duality, Management Ownership, Tax Management